

چرا بچه‌ها از نصیحت فراری اند؟

نصیحت کردن شاید برای والدین راحت‌ترین و دم دستی‌ترین راه برای توبیخ یا آگاهی دادن به فرزند باشد اما برای بچه‌ها بدترین و مخرب‌ترین روش است.



نصیحت کردن شاید برای والدین راحت‌ترین و دم دستی‌ترین راه برای توبیخ یا آگاهی دادن به فرزند باشد اما برای بچه‌ها بدترین و مخرب‌ترین روش است.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از ایران بانو، اگر فرزند نوجوانی دارید که هر از گاهی برای هدایت و تربیت او، شروع به نصیحت کردنش می‌کنید، باید بدانید که این روش هیچ وقت به نتیجه نمی‌انجامد؛ برای ارتباط برقرار کردن با انسان‌ها، در هر سنی که باشند، نصیحت غیردوستانه‌ترین و البته ملال‌آورترین روش گفت‌وگو است. نصیحت حس نادان انگاشته شدن و سرزنش به ما می‌دهد. چون گفت‌وگو، گویی مبتنی بر درست و غلط و بکن و نکن است و یک طرف آن، عقل کل ماجراست و طرف دیگر، خطاکار و نادان. نصیحت و خطابه‌نگاهی از بالا به پایین را به شنونده القا می‌کند؛ چنین گفت‌وگو، گویی یک‌سویه است و طرف مقابل را به جبهه‌گیری و او را کسل می‌کند.

گفت‌وگو با نوجوان را دست کم نگیرید و فکر نکنید قرار است کار ساده‌ای بکنید. قبل از گفت‌وگو به محتوای آن فکر کنید، سؤالاتی را که قرار است بپرسید با خودتان مرور کنید و جواب‌های احتمالی او را بسنجید. برای گفت‌وگو با نوجوان باید نقشه و طرح گفت‌وگو داشته باشید.

در هنگام گفت‌وگو خونسرد باشید و در همه حال به خودتان یادآوری کنید که باید گفت‌وگو، گویی آرام، منطقی و بالغانه داشته باشید.

به جای نصیحت، مکالمات کوتاه و مؤثر با فرزندان داشته باشید. نوجوانان کم‌حوصله‌اند و دل‌شان نمی‌خواهد مقدمه چینی‌های شما یا پند و اندرزهایتان را بشنوند. به جای آن خیلی صریح و مستقیم گفت‌وگو، گویی بالغانه با او داشته باشید و بگویید چه کاری را باید انجام دهد و چرا.

درباره کلیات و مفاهیم انتزاعی حرف نزنید. نگوید دوست خوب کیست، دوست بد کیست یا چرا حفظ آبروی خانوادگی موضوع مهمی است... به جای آن مستقیم سر موضوع اصلی بروید. سؤال بپرسید و جواب شفاف دریافت کنید. از تجربیات گذشته خود و از احساسات نسبت به موضوع بگویید. برایش توضیح دهید که درباره یک موضوع چطور فکر می‌کنید و چه چیز باعث شده نگران شوید.

به جای چانه زدن درباره یک موضوع، مقرراتی وضع کنید و از فرزندان بخواهید به آنها پایبند باشد. همه چیز را با خط کش این مقررات بسنجید. بهتر است هنگام وضع این قوانین با او مشورت کنید تا خودش هم در قانونگذاری سهیم باشد. این‌طور پایبندی بیشتری به قوانین خانواده خواهد داشت.

به جای استفاده از جملات امری یا اتهام زدن، از جملاتی استفاده کنید که این‌طور شروع می‌شوند: «من فکر می‌کنم که...» یا «احساس من این است که...» یا «من و پدرت/مادرت به این نتیجه رسیده‌ایم که...»